ومن یتوکل علی الله فهو حسبه

خواص سورهای قرآن مجید

در مطبع مصطفائی محمد مصطفی خان طبع نمود

۲۸۹۱

بسم الله الرحمن الرحیم

در خواص کلام سبحانی — کان فزون ست از حد احصا
گر درختان قلم شوند تمام — ور شود بحر و مداد دریاها
خلق عالم همه نوشته کنند — نتوانند کرد استقصا
علما جزء آن بیان کردند — از برای عموم خلق خدا
نظم کردم برای آسانی — لیک گفتند شرطها آنرا
اولین شرط آن بود اخلاص — تا دعا را اثر شود پیدا
ور نه هر چند دست برداری — بخدا حاجت تو نیست روا
ور بخستم سوره گیتی آهنگ — چند شرط دگر بکن آنرا
اولاً روزه تا شود صافی — خاطرت پاک از کدورتها
شرط دیگر طهارت ست و نماز — بهر حاجت دو رکعت مولی
شرط دیگر فراغت خاطر — پس دعا کن ثنا بغیر ریا
اول و آخرش درود بخوان — هم بخواه از رسول خدا
بتضرع تمام عجز بکن — وقت خواندن سخن مکن اصلا

M.A.LIBRARY, A.M.U.
PE8491

پس دعا کن بحکم ادعونی … تا کند مستجیب بفضل خدا
هرچه در خاطرت خطور کند … تا ببخشد خدا از لطف و عطا
صدق پیش آور و تفضل خواه … دست بردار و عاجزی بنما
چون بیابی مراد خود ای دوست … فاتحه خوان مرا ز عفو خدا

در خواص مخصوص اختصاص بسم الله الرحمن الرحیم

هرکه در ابتدای هر کاری … گوید از راه صدق بسم الله
کارش ایزد برآورد آسان … کندش لطف فضل خود همراه
خیر و نیکی رسد باو زان کار … شر شیطان شود از او کوتاه
هرکرا ورد گشت بسم الله … گردد از سر غیب او آگاه

در خواص سورهٔ فاتحه

خسته گر شد اند امراض … نپذیرد به هیچ حال دوا
دوستی کو برای صحت او … در عبادت شبی کند احیا
صبح صادق میان سنت و فرض … که استجابت قرین بود دعا
چهل و یکبار از سر اخلاص … کند قصد اسم سوره فاتحه را
خلعت صحتش بپوشاند … حق تعالی ز محض لطف و عطا
ور کسی را کلف فتد بر روی … یا بروی دانه‌اش و بر اعضا
گو باهستگی بخوان و بمال … بر کف دست را و دست آنجا
تا نماند ازین مرض آثار … تیره روئی بدل شود بصفا
ور کسی مار و کژدمش بگزد … بر وی این سوره خوان برای شفا
زانکه احمد را رسول خدا … خوانده تریاک اعظم آشنا

در خواص سورة البقر

هر کسی هفت بار البقره — خواند از روی عقیده و خضوع
بهر دفع کنند دیو و پری — گرد و آسیبشان از و مدفوع
و از برای شفا همین سورت — بنویس و ببند بر مصروع
تا پریشانیش شود زائل — جانش آسوده باشد و مجموع

در خواص سورة آل عمران

آل عمران ادای قرض بجوان — سیزده بار از سر اخلاص
گر تقاضای شنت و هم عوام — کندت حق بفضل خویش خلاص

خواص سورة النساء

هر کرا ترس در نهاد بود — النسا کو بزعفران بنویس
پس بشو و بنوشش تا سه روز — بری از وساوس ابلیس
بهر هر زن که خواهیش ده بار — شود اندر عفاف چون بلقیس
خاصیت از کلام چونه ز سحر — کان خیانتست و حیله و تلبیس

سورة المائدة کثیرة الفائدة

سورة المائده چل و یکبار — هر که خواند بسر نیافته تا
وقت تشنگی و قحط بفرستد — اثر از آسمانش آید یا
ور نویسی و شسته گرد و سلی — شربت آبی از آن بصدق و صفا
مرد مستسقی ار بیاشامد — تشنگی کم شود و رسد بشفا
ور نهی در میان رخت و قماش — در امان باشد از خسار بها

سورة الانعام

چل و یکبار سورة الانعام — بهر هر حاجتی که بر خوانی
حاجتت سر بسر روا گردد — از عنایات و فضل رحمانی

یک شب بخوانی آن بهتر — دائما در رفاهیت مانی
هر مرادی که خاطرت خواهد — یابی از شرط خواندنش وانی
همچنین پاره وز بیده و فریابی — که تو هر روز ورد که داری
ور شبی ورد او گفته باشی — کامل اندر صفات انسانی
نروی از پی هوا و هوس — بگذری زین خیال نفسانی
همه کیمیای خاطرت گردد — محو و یابی صفای نورانی
شودت کار دنیوی اتمام — ایمن از آفت و پریشانی
در بهشت برین شود جایت — از عطیات فیض سبحانی

سورة الاعراف

سوره اعراف را سه بار بصدق — بهر امن از عذاب روز شمار
خواند ایمن شود ز هول و عقاب — وقنا ربنا عذاب النار

سورة الانفال

هفت نوبت کریمه انفال — بهر زندانیان بصدق بخوان
تا ز بند گران خلاص شوند — از عنایات حضرت رحمان

سورة التوبه

هر که حاجت بپادشاه برد — یازده بار توبه سوره بخوان
تا موافق مراد خود یابد — هر چه خواهد ز حضرت سلطان
وگر آن ز میان رخت نهد — مال او را امان دهد رحمان

سورة یونس علیه السلام

بست و یکبار سوره یونس — جهت نصرت شدن ز فضل خدا
هر که خواند باعتقاد تمام — فتح او را شود و سر اعدا

در نویسی ز زعفران و بمشک	بر ورق آهوی لطیف اجزا
شوی ایمن ز شر دیو و پری	نرسد با تو هیچ رنج و بلا

سورهٔ هود علیه السلام

هر مهمی که پیشت آید زود	سیزده بار پیش بخوانی هود
بکفایت رسد بفضل خدا	لیکن اخلاص حاصل مقصود

سورهٔ یوسف علیه السلام

سیزده بار سورهٔ یوسف	گر بحاجت روی سوی سلطان
تا بیابی بکام خویش مراد	ای برادر بصدق دل تو بخوان
ور بدیوار خانه بنویسی	یا بجای دگر عزیز زمان
آن سرا فرخ و مبارک شد	بر تو هم بر جمیع فرزندان

سورهٔ رعد علیه السلام

کودک ار بیشمار گریه کند	سورهٔ رعد بهر او بنویس
پس بیاویزش نمائیش دم	تا نگرید دگر زمین انیس

سورهٔ ابراهیم علیه السلام

مرد بسته چو سورهٔ ابراهیم	سه گرت ز زعفرا و سوره بخوان
هم بمشک و گلاب بنویسند	پس بشویند شربت آب از آن
چون خورد مرد بسته بگشاید	بتفضل خدای ذی احسان
در سفر گر کشاند این تعویذ	دولت آید و مرحمت یزدان
بسلامت رسد بمنزل خویش	با همه همسر با و با یاران

سورة الحجر

وقت بیع و شری چو سورهٔ حجر	خواند او بیع آن مبارک دان

هر سعادت که هست در عالم	همه مجموع دان درین قرآن

سورة النحل

ایکه از دشمنان کنی تشویش	رو حصاری بساز از قرآن
یکصد و هشت بار سورهٔ نحل	از سر اعتقاد و صدق بخوان
تا بیکبار چون بنات النعش	متفرق شوند و سرگردان
ور نگهداری این کریمه بخویش	دشمنانت شوند در فرمان

سورة بنی اسرائیل علیه السلام

بهر حاجات دینی و عقبی	هفت نوبت کریمهٔ سبحان
از سر اعتقاد و نیت پاک	واز صمیم دلی بصدق بخوان
تا جهات دین و دنیاوی	بمراد دلت شود سامان
کودکی را که بر سخن گفتن	گیرد او را زبان بوقت بیان
مشک با زعفران گرفته نویس	شسته با طفل آن کریمه چنان
تا شود او چو عندلیب فصیح	لیکن اخلاص باید و ایقان

سورة الکهف

سورهٔ کهف هر که برخواند	جمعه تا روز جمعهٔ دیگر
باشد اندر حمایت قرآن	گردد ایمن ز خوف بیم و خطر
واگر کثرت قرضش شود	در میان مصاحبان مضطر
وام او را خدای بگزارد	در خلائق شود عزیز و وقر

سورة مریم علیها السلام

مریم ار هفت بار برخوانی	مال یابی و مرتبه بسیار
گرچه یکبار بشنوی سخنی	ماندت در ضمیر بی تکرار

خسته مردی اگر نوشته خورد　　بطریقی که گفتمت دو سه بار
بسته گر خورد گشاده شود　　بمراد دلش بر آید کار
بر در جنت ار ببندد و اندر باغ　　آرد از سال پیش بیش ثمار
هفت روز ار نوید و بخورد　　مستمندی نحیف و بی تیمار
علت و زحمت وجع احشا　　برود از وجود او بسیار
هم ز دیو و پری شوند ایمن　　اهل خانه تو از صغار و کبار
جای باشد ترا بخلد برین　　در جوار منازل اخیار

سوره طه علیه السلام

بهر تزویج دختران طه　　بست و یکبار هر که برخواند
عنقریب از عنایت یزدان　　بخت ایشان بکام بگشاید
بر همه دشمنان شود غالب　　داد خود از زمانه بستاند
در بشوئی و آبش آشامی　　جور دوران دگر نجنباند
جاه یابی ز پادشاه جهان　　جایگاهت رفیع گرداند

سوره الانبیاء علیهم السلام

گر تو هفتاد و یک کرت خوانی　　سوره انبیا ز صدق و یقین
ور نویسی و آبش آشامی　　نشوی بعد از آن دگر غمگین
وگر اندوهی آیدت در پیش　　سجده کن بر زمین بخاک جبین
و اندر آن سجده چهل بار بخوان　　ذکر تسبیح یونس ای حق بین
من شدم از همه ستمکاران　　نیست جز تو خدای پاکترین
تا فرج یابی از هموم و غموم　　فضل بخشایدت خدا بیقین
لیک در سجده تو سجه را　　رفع گردان که گفته اند چنین

سورة الحج ما ما

وقت کشتی نشستن از سر صدق	سورة الحج به نیت بهبود
گر بخوانی تراحت اینبنگ	برساند بکعبهٔ مقصود

سورة المؤمنون المفلحون

کاهلی در نماز جاهلیست	زانکه معراج مومن است نماز
مومنون مرد کامل ار خواند	هشت نوبت ز روی صدق و نیاز
کاهلی از طبیعتش برود	با خداوند ز دل شود همراز
ور کسی شرب خمر عادت کرد	با کباب و رباب بشد دمساز
بحریر سفید سوره نویس	از سر صدق حمایل و ساز
کز کمال تفضل یزدان	از فجور و فسوق آید باز

سوره نور ما ما

سوره نور هفت بار بخوان	تا شوی رستگار از بهتان
ور نویسی و بر کنار فراشش	از سر اعتقاد بندی آن
کثرت احتلام کم گردد	گردی ایمن ز وسوسه شیطان

سورة الفرقان ما ما

در هلاک تو گر بود شاهی	دشمن ازلی و بانی نادان
از برای محنه است ظالم	هشت صد بار سوره بر خوان
حق تعالی ترا نگه دارد	از جفا و بلای جمله جهان

سوره الشعرا

گر گریزان شود زکس برده	هفت نوبت گر بیهٔ شعرا
بنویسی و با خود آویزے	سر خدمت ترا نهند برضا

آن کمینه باز نگریزد | از تو در عمر خویشتن اصلا

سوره النمل

سوره النمل بهر حاجت | هر که یکهفته خواند از هر روز
حق کفایت کند مراد اتش | گردد از فضل حق بسی فیروز

سوره القصص

سوره القصص هر که ورد کند | عاقبت باشد او ز صدیقان
در قیامت فرشته بر صدقش | شاهد آیند در حریم جنان
از خیانات دزد باز آیند | گر نویسی برای مملوکان
آب باران بگیرد این سوره | از خلوص عقیده بر و خوان
پس به اخلاص از برای شفا | خستگان را بسی فزاید جان

سوره العنکبوت

ور تو خسته ای تو عنکبوت بخوان | هفت نوبت که تا شوی بی غم
ور نویسی به زعفران و مشک | بهر خوشنودی ای مدار کرم
شربت آب آن چو باز خوری | شوی آسوده دل ببینش و بکم
از بد بیماری شوی پاکی | نرسد با تو از زمانه ستم

سوره الروم

سوره الروم بهر دشمن | بیست و یکبار هر که بر خواند
هیچ دشمن دگر نبودی کم وبیش | بعد از آن کارزار نتواند
ور نوشته میان شیشه نهند | پس سر شیشه را بجنباند
در هر آنخانه که شیشه نهند | اهل آن را ز شر رهاند

سوره لقمان علیه السلام

متوکل که در هجوم مرض / نیست محتاج حکمت یونان
چون شکم درد گیرد شب خواند / از سر صدق سورهٔ لقمان

سورة السجده

هفت بار آنکه سورة السجده / از سر اعتقاد برخواند
یا نویسد بزعفران و بمشک / حرز تعویذ خویش گرداند
از جذام و تپ و تمام علل / و ز بلیات در امان ماند

سورة الاحزاب

هرکه از دشمن است پر تشویش / درد سازد چو سورهٔ احزاب
تا نگر از میامن قرآن / دشمنانت شوند جمله خراب

سورة السبا

هفت نوبت سبا بصدق بخوان / ای گرفتار درد و رنج و بلا
تا نبینی ز جور روز ستم / هم نباشد ز دشمنانت جفا

سورة الفاطر

چونکه حاجت بپادشاه بری / یا بحکام صاحب دیوان
سورة الفاطر از سر اخلاص / زود و هفتاد و پنج بار بخوان

سورهٔ یس علیه السلام

حفظ ایمان گر از خدا خواهی / ختم یس بکن چهل و یکبار
در نویسی بزعفران و گلاب / در بیاض کثیرة الانوار
پس بشوئی بآب تازه خوری / منکشف گردد بسی اسرار
در دلت نور حق ظهور کنند / گر بدانی مراتب ابرار
حفظ ایمان تو زیاده شود / چون بزرگان دین نیکوکار

بر همه دشمنان شوی غالب — دوستانت کنند عز و وقار
ور از آن آب هفت روز خوری — جاه یابی ز شهر صغار و کبار
بستگیها گشاده می گیرند — گر دهی مرد بسته را یکبار
در ظرفی که باشد ش سر تنگ — بنهی این گزیده خیر آثار
پس ببستان بری و ضبط کنی — بوستان را ثمر شود بسیار
شک نیارد ز معجزات کلام — دیو بگریزد و پری زان دار

سورة الصافات

سورة الصافات گر خوانی — هفت نوبت به نیت حاجات
حاجتت سر بسر روا باشد — نیز حاصل شود بتو برکات

سورة الصاد

مصطفی گفته چشم زخم حق است — نیست کس را درین سخن انکار
هفت نوبت هر آنکه خواند صاد — نکند چشم بد بر آنکس کار

سورة الزمر

جاه و عزت گر از خدا خواهی — بشنو این رمز ای پسر ز پدر
هفت نوبت برای عزت و جاه — از سر اعتقاد خوان تو زمر

سورة الغافر المومن

هر که او را جراحت بسیار — عاجزش سازد و زبون و نزار
از برای شفا بگو مومن — بر حریری نویس و با خود دار
وقت در ماندگی همین سوره — هر که خواند بصدق دل یکبار
دفع گردد ز فضل حق هر رنج — بمراد دلش شود همه کار

سورة حم سجده

هرکه حم سجده را صد بار	هر صباح و مسا مقیم کند
گردد از قهر پادشاه بیغم	دل سلطان برو رحیم شود

سوره شوری

هرکه از دشمنان ببی ترسد	گر بخواند سه نوبت شوری
ترس آن دشمن از دلش برود	حق کند مهربان چو زن شوهرا

سورة الزخرف

سه کرت هرکه سورهٔ زخرف	خواند از صدق بر مهماتش
حق تعالی برآورد از غیب	همه آمال و جمله حاجاتش

سورة الدخان

هفت نوبت بخوان بصدق دخان	تا بیابی ز قاضی الحاجات
هر مهمی که داری اندر دل	اول و آخرش بخوان صلوات

سورة الجاثیه

هرکه افتد بورطهٔ سکرات	سه کرت جاثیه برو برخوان
تا دران وقت گوهر ایمانش	باشد ایمن ز غارت شیطان
همچنین واقع است این سوره	سه کرت جهت دفع غمازان

سوره الاحقاف

بهر دفع شرور دیو و پری	گر سه نوبت کریمهٔ احقاف
خوانی این سورهٔ عظیم الشان	باشدت چون حصار از اطراف
ور نویسی بزعفران و گلاب	نوش کن گوش کن سخن اسلاف
نکند سحر ساحران بتو کار	نشوی متهم بکذب و گزاف

سوره محمد علیه السلام

در عدو سوره محمد را	چل و یکبار خوان و بر خود دم
تاکه بر دشمنان ظفر یابی	ایمن آئی ز ترس هم و الم
در نویسی بآب زمزم و مشک	پس بشوئی و درکشی در سه دم
جاه و رفعت ترا نصیب کند	حق تعالی ز فضل خویش اعم
هرچه گوئی تو بشنوند همه	قول مقبول تو شود محکم
صحبت یار و دولت مونس	دوست بشاد و دشمنت پر غم

سورة الفتح

فتح و نصرت اگر از خدا خواهی	سورة الفتح خوان چل و یکبار
تاکه هنگامه حرب دشمن را	بگذرانی به تیغ گوهربار
در نویسی و بر کتف بندی	ایمن آئی ز دشمن مکار

سورة الحجرات

هرکرا علت شکم باشد	هفت نوبت بخواند او حجرات
خلاصش بشود ز جمله علل	شود و شش لطف حق مدحیات
ور بد نسیان مداومت بکند	مدتی بگذرد یکبار و ثقات
کرده باشد کسی کهی غیبت	گفته باشد اگر کسی سقطات
کرده و گفته اش ببخشد حق	باید از فضل ایزدی درجات

سورة القاف

هشت آدینه هرکه سوره قاف خوانا	در هر آدینه خواند او شش بار
وقت مردن دهد بآسانی	جان شیرین بحضرت غفار
گور او همچنان شود روشن	که برد رشک گنبد دوار
خوابگاهش شود بجنت برین	تکیه گاهش بهشت عنبربار

سورة الذاریات

هرکه والذاریات را خواند — روز هفتاد و پنج بار تمام
تنگ عیشی برو فراخ شود — دولتش رام و دستش با کام
ور نویسی برای حامله زن — که بود بیقرار و بی آرام
درد زادن برو شود آسان — زود گردد خلاص از آلام

سورة الطور علیه السلام

شب آدینه سورهٔ والطور — خواند ایمن شود ز رنج جذام
فرزندانی از برای خلاص — گر کند ورد خود بصبح و قیام
مژدهٔ دولت خلاص و نجات — بخشدش ذوالجلال والاکرام

سورة النجم

بیست و یکبار هر که سورهٔ نجم — از برای برآمدن حاجات
گر بخواند مراد را یابی — برهی از ندامت و حسرات
زن زهینده گر شود دشوار — حال بروی ز ناخوة و اخوات
بنویسند و بر سرش بندند — در زمان یابد او خلاص و نجات

سورة القمر

سورهٔ الساعة از سر اخلاص — گر بخوانی بصدق ای مؤمن
ترس و هیبت ز دل شود زائل — باشی از قهر دشمن ایمن
هر شب جمعه هر که او خواند — باشدش لطف ایزدی ضامن
برص و جذام زو شود مدفوع — تب و درد و غمش شود ساکن
هیچ دشمن برو نیابد دست — باشد ایمن ز دزد و از خائن

سورة الرحمن

در دو حشمت اگر دهد زحمت	درد خود ساز سورة الرحمن
در نخوانی نویسی و با خود دار	تا نجات بایدت خدای جهان

سورة الواقعه

ایکه درمانده گشته ذلیل	در میان فقر و فاقه درویشی
سورة الواقعه چل و یکبار	ختم کن تا ز فقر ناندستی
از خواری رساندت دولت	با عزیزان ترا دهد خویشی
تنگی از حال او رود در حال	یابی از فضل حق عطا بیشی
وانکه هر دم مدام بر خواند	بر همه سابقان کند بیشی
بر سر قبر هر که بر خوانند	دور گردد عذاب دلریشی

سورة الحدید

هر که هفتاد بار از سر صدق	خواند ای نور چشم سوره حدید
یابد از کار خویش بس فرحت	رونق افزایدش چه دید پدید
ور به بیمار خواند او بشفا	رسدش لطف کردگار مجید

سوره مجادله

گر خصومت شود میان دو قوم	شصت گرت سورة مجادله را
خوان بخاک و بریز جانب خصم	تا کشد آتش مقاتله را

سورة الحشر

گر همی ترا شود چهل روز	هر سحرگه بصدق دل یکبار
سورة الحشر را بخوان کاید	هر چه خواهی بکام دل آن کار
لیک گردد فراشی بکرد زر	خواندن از سر بگیر دیگر بار
چار رکعت نماز حاجت خوان	اگرت هست حاجت ای دلدار

سورهٔ الحشر خوان بهر برکت | تا مراد دولت دهد غفّار
شاد باشی ز دولت و اقبال | بخت یاور ترا سعادت کار

سورهٔ ممتحنه

هر که خواند بعجز ممتحنه | پنج نوبت مدام بی اکراه
خاطر او شود ز وسوسه پاک | دست شیطان از او شود کوتاه

سورهٔ الصف

هر که فرزند ناخلف دارد | که نه بر سیرت سلف گردد
هر چه آید بدستش از کم و بیش | همه در دست او تلف گردد
هفت نوبت چو سورهٔ صف را | خواند آن خوی بر طرف گردد
ولد بی ادب او ادب گیرد | پسر ناخلف او خلف گردد
وگر این سوره ورد خود سازی | در ثقف ستر من عرف گردد

سورهٔ الجمعه

زن و شو چون موافقت نکنند | ای برادر به نیت ایشان
از سر صدق سورهٔ جمعه | پنج نوبت باعتقاد بخوان

سورهٔ المنافقون

مصطفی صلعم گفت جزم در نزدیک | در بهشت برین سخن چنان
یکصد و هشت نوبت از سر صدق | ای برادر منافقون برخوان
زانکه این از مجربات بود | جهت دفع شر غمازان

سورهٔ التغابن

هفت نوبت تغابن ای فرزند | از سر اعتقاد و صدق بخوان
تا شود عمر و دولت افزون | گردد اش مال ایمن از دزدان

سورة الطلاق

گر به کرت طلاق را خوانی
دلت از تفرقه خلاص شود

مجتمع حالی از پریشانی
هم ز تشویش در امان مانی

سورة التحریم

گر تو خواهی که مهربان باشند
وگرت قرض بیشمار شود
از کمال یقین و صدق بخوان
تا همه دشمنان شوندت دوست
بر شما از وجه مسلّطه است

دشمنان تو بشنو این تعلیم
دائما باشد از عزیمت بیم
بست و یکبار سورة التحریم
هم شود خاطرت ز وهم سلیم
سر در آرد به ربقهٔ تسلیم

سورة الملک

سورة الملک هر که برخواند
دفع گردد از او بلا و قضا
نعمت و کامرانی و برکت
هر آنکه هر شب مدام میخواند
فائز آید بدولت دارین
شود او را عذاب گور بهر گه
باشد از نور معرفت آگاه
در سعی بر و گشاده شود
با سوی الله بیش خاطر او
تا بیابی سعادت ابدی

چل و یکبار اگر بدین عامل
بر وی آسان شود همه مشکل
دهدش فضل حق عطا شامل
باشد او مرد راه حق کامل
بکمالات فضل حق عامل
قبر او روضه جنت منزل
هم ضمیرش منور و هم دل
نشود از یاد حق دمی غافل
زود باطل نمایدش باطل
یادگیر این خواص از عادل

سورة النون

هر که هفتاد بار سورهٔ نون — خواند ایمن شود ز مرض جنون
حق کفایت کند مهماتش — نشود در کف زمانه زبون
از حوادث زمان شود محفوظ — هم ز چشم زمان بود مامون

سورة الحاقه

سورة الحاقه چو بنویسی — پس بشوئی باب باز خوری
از زمانه مراد دل یابی — دیگر از جور دور غم نخوری
در بطفلی دهی که شیر خورد — باشد ایمن ز شر دیو و پری
عقل و ادراک او بیفزاید — غالب آید بقوت شکلی
نخل جاهش رسد باوج کمال — کامل اندر فضائل بشری
گر تو هفتاد و پنج بار تمام — باز خوانی رهی ز دربدری
گردد آسان بتو همه کارت — شوی از آفت زمانه بری
در حکایتی دعا حافظه دل — دار در گوشش و رستی ز حیف تجری
صدق پیش آر و دین مثل یا دار — جان من هرچه کاشتی ببری

سورة المعارج

وقت جنگ ار همی بری نیت صلح — دل خود از وساوس انباز
پس بخوان سورة المعارج را — یکصد و شصت باره ز صدق و نیاز
نشود جنگ صلح پیش آید — گردد انجام کار عشرت و ناز
ور شوی محتلم بسی از حد — هشت نوبت بخوان که دل تو خوش شاداز
باش پاک از وساوس شیطان — گاه قرآن بخوان و گاه نماز
یا دگر این خواص و در عمل آر — تا بیابی سعادت و عزاز

سورة النوح علیه السلام

اگرت دشمنی بود بی دین | که عداوت ازو رسد بوضوح
بهر دفعش هزار بار تمام | خوانده باید بصدق سوره نوح
بعد از آن این دعا بخوان و بدم | جانب خانه‌اش شود مجروح
تا شود مبتلا به رنج و بلا | یا برآید بر و خروج قروح
مع هذا بحالکان جحیم | از سر قهر و کین بسیار روح
رسد از مرگ او جهان را خیر | رسد از مرگ او هزار فتوح

دعا اینست

اللهم یا رب السماء و یا مجری الماء و یا عالم الاسرار و یا مغیث الضعفاء و یا ملجأ الفقراء اللهم من کادنی بسوء فکیده و من ارادنی بسوء فارده یا مجری الماء من تحت الارض اللهم امطر علیهم ثجاجاً فلا یبقی منهم دیاراً و لا تجعل لهم الاثار و لا تذر علی الارض من الکافرین دیاراً اللهم انت الذی لا اله الا انت لا شریک لک فی جبروتک و انت علی کل شیء قدیر یا قدیر یا قادر یا قاهر یا قاهر کم من معاند قهرت و کم من ظالم اخذت و کم من مظلوم نصرت و کم من عنید غلبت اللهم اکفنی شر هذا الظالم الجهول یا الله یا الله ما لی سواک مهرب و لا تزد الظالمین الا تباراً یا مالک الرقاب و یا شدید العقاب یا الله یا الله یا رب العالمین و یا خیر الناصرین و یا غیاث المستغیثین اغثنی و الحمد لله رب العالمین

سوره الجن

اگر اندر خواص سورهٔ جن	گویم ابیات بگذرد ز هزار
هفت نوبت بخوان که دیو و پری	از حوالی تو گشتند فرار
ورد سازی مسخرت باشند	در سنین و شهور و لیل و نهار
هر چه خواهی مدد رسد زیشان	هم بیابی مراتب ابرار
لیک شرطش طهارت و تقوی است	ان زوا با تلاوت و اذکار
ورنباشی چنین چنان گردد	که نماند ز هستیش آثار

سورهٔ المزمل علیه السلام

هر که خواند مدام مزمل	از سر شوق غالب اوقات
رویت حضرت رسول خدا صلعم	افضل خلق سید السادات
بهتر از رویت رسول خدا	در جهان چیست ای کریم صفات
جمله حاجات او روا گردد	حاصل آید مراتب درجات
همه چیز از زیارت نبوی است	سید کائنات را صلوات

سورهٔ المدثر علیه السلام

آنکه دهرت برهنه میدارد	ورد خود کن بصدق مدثر
تا بیابی ز جامه خانهٔ غیب	جامه‌های مناسب فاخر

سورهٔ قیامت

از حساب قیامت ار پرسی	هر شب جمعه خوان قیامت را
سترکرت تا شود سبکباری	حاصلت از کمال فضل خدا
برهی از عذاب و تنگی گور	شوی ایمن ز درد و رنج و عنا

سورهٔ الدهر

از کلام خدا طلب حاجت	از سر صدق هر صباح و مسا

ده هفتاد و پنج بار بخوان / تا بیابی مراد هر دو سرا
چون خبر داده مخبر صادق / سید الانبیا رسول خدا
که در آن بس امیدواری هست / بی نوایان و اهل ایمان را
هل اتی کاهل بیت را سند است / معتبر نزد اهل صدق و صفا
روز آدینه هفت بار بخوان / خالی از ریب و عجب و کبر و ریا
هر که خواند مقام خود بیند / در فرادیس جنت المأوا
و آنکه هفتاد و پنج بار بصدق / خواند اندر پی نماز و دعا
هر مرادی که در دلش باشد / بخشد او را خدای بی همتا

سوره المرسلات

راست گویان و راستکاران را / دوست دارد خدای عز و جل
سورة المرسلات را صد بار / گر تو خوانی ز بی خطا و خلل
ره بری در مقام صدیقان / بگذری از شر دروغ و دغل
بی رضای خدا تو دم نزنی / برهی از ورطهٔ خلاف و جدل
بر همه دشمنان شوی غالب / متزین شوی بعلم و عمل
ور تو تعویذ خویشتن سازی / در امان باشی از جمیع علل

سوره عم

خبری دارم از نبا بشنو / تا بیابی ز روی روایت خبر
سورهٔ عم بعد از پیشین / ناظره خوان و یا بگو از بر
روشنی دیده کانت افزاید / نور دل بخشد و جلای نظر
سهروردی امام ربانی / در عوارف نوشته نقل دگر
گر بخوانی تو نصر بعد از عم / می برند از تو رشک شمس و قمر

سورهٔ والنازعات

هرکه والنازعات را خواند / بست و یکبار ای صفای ضمیر
گردد ایمن ز حضرت سلطان / وا ز خطاب امیر و قهر وزیر
دارد ایمان او سلامت حق / کردگار نصیر و حی قدیر

سورهٔ عبس

هرکه هفتاد بار سوره عبس / بصر بینائی قیامت را
خواند از صدق تا شود در چشم / دیده اش قابل لقای خدا
مرض شبکور و نیز مرض رمد / گر بخوانند از برای شفا
شب رود زو از میامن قرآن / باز یابند دیده بینا

سورهٔ التکویر

بست و یکبار سوره تکویر / گر بخوانی برای دفع بلا
داورت از بلا نگهدارد / بخشدت نصر و عون بر اعدا

سورهٔ الانفطار

هرکه هفتاد بار بر خواند / سوره انفطار بهر شاد
بجهد و درماندگی از و برود / حق تعالی رساندش مراد

سورهٔ تطفیف

کودک ار گریه میکند بسیار / هفت نوبت برای او تطفیف
گر بخوانند کم کند گریه / از عنایات حق شود تخفیف
هم پسندیده سیرت و صورت / گردد اخلاق نیک چهره لطیف

سورهٔ انشقاق

گر زنی از مشقت زادن / درد زهدان برو شود پیدا

هفت بار انشقاق بروی هم
وانکه می ترسد از فشردن کور
تا شود کور او چو باغ فراخ
تا ببخشد خدا ایمنی و شفا
خواند این سوره را صباح و مسا
در قیامت شود شفیع او را

سورة البروج

کر سه نوبت بروج را خوانی
بسته کردد زبان بدکویان
وانکه را زحمت لبو سیر است
هست قرآن دوای هر درد
ستر هر کوکبی نکو دانی
بر تو از فیض و فضل سبحانی
ختم این سوره اش دوا دانی
تا کی ای دل بدرد درمانی

سورة الطارق

وقع ویو و پری سه بار بخوان
تا کرندی نبینی از ایشان
سورة الطارق ای هنر پرور
نرسانی تو زحمتی دیگر

سورة الاعلی

کر بسفر میروی سه بار بخوان
تا بدولت روی و باز آئی
از سر صدق سورة الاعلی
این رفیق است حضرت مولی

سورة الغاشیة

هر کرا باد رفته در اعضایش
بسته یکبار غاشیه خوانش
تا بصحت بدل شود مرضش
در نیابد حکیم هیچ دوایش
از سر صدق از برای شفایش
تا کند از فضل خود خلاص خدایش

سورة الفجر

سورة الفجر بهر دفع بلا
ایزد از فضل خود شفا بخشد
هر که هفتاد بار بر خواند
وا از قضا و بلاش برهاند

سورة البلد الامین

هر که او سورهٔ بلد سه کرت — خواند اندر دخول شهر و بلد

کامرانی کند ز فضل خدا — رسد او را ز اهل مصر مدد

دلش از وسوسه شود فارغ — خاطرش جمع و مطمئن گردد

وانکه این سورهٔ مبارک را — هر شب و روز ورد خویش کند

روز محشر که بیم و هول شود — همچو برق از صراط بگذرد

حمد گویان رود بصد رضوان — حق ز انعام خویشش [illegible]

سورة الشمس

هر که والشمس را بوقت طلوع — خواند از نهایت خشوع و خضوع

هر چه گوید بخلق خاص و عوام — همه مقبول باشد و شنوش مسموع

آفتاب سعادتش هر روز — کند از آسمان جاه طلوع

بسلامت بیاد حق باشد — بسعادت در آن جهانش رجوع

قبر او روضهٔ بهشت شود — روشن از هر طرف فروغ شموع

سورة اللیل

هر که واللیل را بوقت غروب — صد و هشتاد بار بر خواند

مالش از دزد در امان باشد — کس بر او جور و ظلم نتواند

ور غمی باشدش زیاده ز حد — که در آن غصه سخت درماند

وقت خفتن ز روی صدق و نیاز — چون شفق رنگ خود بگرداند

سورهٔ الشمس و سورهٔ واللیل — خوانده خود را ز غصه برهاند

حق فرح بخشدش بهر حالت — که دگر غم دلش نرنجاند

سورة الضحی

والضحی را برای هر غائب — گر بخواند بصدق دل دو هزار

بسلامت بیاید آن مفقود	شادمانی شود باهل وتبار

سورة الم نشرح

سه کرت هرکه خواند از سر صدق	وقت صبح وعشا الم نشرح
بیشک از حیف وغبن باشد دور	مستبدل شود غمش بفرح

سورة التین

سورة التین برای هر غائب	خواند از بهر حاضر شدن وی هر آن
بسلامت معاودت کند او	بسعادت رفیق ودولت یار

سورة علق

سه کرت سورة علق برخوان	وقت رفتن بآستان ملوک
او بچشم عنایتت بیند	وارهی از فلاکت وصعلوک

سورة القدر

سورة القدر هرکه سازد ورد	گاه وبیگاه در شب فراز
هرکرا قدر وجاه باید وفر	دولت وکامرانی وعز ابد
عقب هر وضو بقول رسول	سه کرت قدر خوان بصدق ونیاز
ور بهنگام خواب برخوانی	خاطرت آورد زوسوسه باز
بیست ویکبار خوان بشوق خدا	قبر خود را چو روضه روشن ساز

سورة البینة

سورة البینة بصدق ونیاز	بیست ویکبار وقت صبح بخوان
تا شود طاعتت همه مقبول	هم بری باشی از همه عصیان
ور کسی راست زحمت هر وجع	یا گرفتار علت یرقان
بنویس وبخود نگهدارد	تا بیابد زهر دو مرض امان

سورة الزلزال

دفع خصمان سورة الزلزال / گر بخوانی لعبد چار هزار
دشمنانت شوند آواره / بخداوند واحد القهار
در نوشته باهل القوه دهند / بنهد و این سوره را شود لقرا
همچنین گر نویسی و شوئی / روی خود را باعتدال سه بار
از همه مرضها شوی ایمن / تازه گردد رخ تو چون گلنار

سورة العادیات

سه کرت دفع چشم زخم ایجان / هر که والعادیات برخواند
نکند چشم بد بر او اثری / از بلیها در امان ماند

سورة القارعه

تا برآید همه حاجتهات / یکصد و هشت بار قارعه خوان
تو بیابی هر آنچه میخواهی / بیگمان از کرامت قرآن

سورة التکاثر

گر تکاثر برای دفع غموم / سه کرت خوانی ای مدام کرم
حق نگهداردت ز فضل عمیم / از بلیات خود بحفظ و حرم

سورة العصر

بیست و یکبار سوره والعصر / گر بخوانی تمام بدگویان
متفرق شوند در عالم / بی نوا و ذلیل سرگردان
چو نوشته بنجو نگهدارند / حکم آن نیز همچنان میدان

سورة الهمزه

هر که نه بار سورة الهمزه نو / خواند از صدقه بهر درد شکم

حق تعالی شفا دهد اورا ... همدران لحظه از کمال کرم
ور براهی نهان کند چیزی ... کو نباشد بران کسی محرم
خواند این سورهٔ بصدق بر آن ... حق نگهدارد و نگردد کم

سورة الفیل

هر که را دشمنان لعینی باشند ... شب جمعه میان شام و عشا
که هزار و دویست و یا پنجاه ... سورة الفیل هر دو فعلش را
خواند از شر دشمنان برهد ... شنود آسوده خاطرش ز عنا
پیش ازین گر حقیر پشته بود ... همچو فیلی شود و بران اعدا
نرسد بروی و بر اتباعش ... هیچ مکروه زان بلا اصلا
ور بخوانی بصدق بر مصروع ... دهدش حق ز لطف خویش شفا
در هر رکعتی ز سنت صبح ... بعد الحمد خوانی ای مولا
و دیگری سورهٔ الم نشرح ... دیگری فیل بهر دفع بلا
هیچ دشمن بتو نیابد دست ... باشی ای دوست در امان خدا

سورة القریش

هر که هر روز لیلت بار قریش ... خواند از صدق از بلا برهد
ور طعامش کنند زهر آلود ... در وی آن زهر سم اثر نکند

سورة الماعون

چهل و یکبار سورة الماعون ... گر بخواند بصدق دل راجی
خویش و فرزند و نیز پیوندش ... گردد ایمن ز فقر و محتاجی

سورة الکوثر

هر که خواند هزار بار بصدق ... در همه عمر سورة الکوثر

بیگمان در بهشت نوش کند	شربت کوثر از کف حیدر
سورة الکافرون	
حفظ ایمان خویش گر خواهی	سورة الکافرون بصدق بخوان
ای دلا هفت بار هر روزی	حق نگهدارد از خلل ایمان
سورة النصر	
سورة النصر بهر دفع بلا	هفت نوبت بصدق خوان هر روز
تا شود فتح و نصرتت یاور	باشی از بخت خویشتن فیروز
سورة تبت یدا	
اگرت هست دشمن بی دین	که بقصد تو باشدش نیت
بهر اهلاک دشمنان هر روز	هفت نوبت بصدق خوان تبت
سورة الاخلاص	
هر که خواند هزار بار اخلاص	شود از فضل حق ز بند خلاص
وانکه این سوره ورد خود سازد	شود از بندگان خاص الخاص
سورة المعوذتین	
هر کی از صدق دل معوذتین	ورد خود ساخت هر صباح و مسا
باشد ایمن ز بیم خوف و خطر	دفع گردد از آن جمیع بلا
نکند سحر و جادوییش کاری	بر وی و اهل بیت او ابدا
خاتمه	
نظم کردم خواص قرآنی	بهر اهل رشاد و فضل و نقا
گرچه از صد هزار نتوان گفت	شمه‌ای از خواص قرآن را
لیک بر قدر قابلیت خویش	این قدر جمع کردم از هر جا

تا که نفعی رسد از وی بکسی	تا کندش یاد آورد بدعا
یا الهی ببرکت قرآن	کوست ما را امام و رهنما
بکمالی که یافت ختم رسل	شب اسری ز قرب او ادنی
که گناهان عادل مسکین	محو فرما ز محض لطف و عطا
قلم عفو برگناهش کش	برسانش بجنت المأوا
حاجت جمله را بفضل برآر	بحق و حرمت رسول خدا

تمام شد

تعداد سورهای کلام الله

سورهای کلام ربانی	یکصد و چارده یقین دانی
اولین فاتحه بقره دیگر	آل عمران و پس نسا بشمر
مائده پیش گیر با انعام	باز اعراف خوان بصدق تمام
بعد اوست سوره انفال	خوان شب و روز ای حمیده خصال
توبه و یونس است و هود عظیم	یوسف و رعد و باز ابراهیم
حجر و نحل و باز اسرائیل	کهف و مریم شنو ز من بی قیل
نیز طه و انبیا دیگر	حج و المؤمنون و نور شمر
سوره فرقان و باز شعرا دان	نمل با قصص و عنکبوت بخوان
روم و لقمان و سجده و احزاب	هم سبا با ملائکه دریاب
نیز یس باز صافات است	صاد و باز زمر در ملاقات است
مؤمن و سجده است باز دگر	نیز حم عسق شمرا
زخرف است و دخان جاثیه نیز	هم تو احقاف خوان ز روی تمیز
بعد محمد صلعم سلام بر ایشان	فتح و حجرات و باز ق بدان
ذاریات است و طور و نجم قمر	نیز رحمن و واقعه بشمر

پس حدید و مجادله بشمار / بعد از ان حشر باشد ای دلدار
سوره ممتحن رسیده بصف / جمعه دارد منافقون در کف
از تغابن طلاق و تحریم است / سوره ملک بر تو تعلیم است
قلم و حاقه و معارج خوان / نوح و پس جن نیز در پس آن
پس مزمل بپیش آر مزمل / نیز مدثر و قیامت دل
دهر و المرسلات و عم بخوان / نازعات است و عبس بعد از ان
کورت است و سوره انفطرت / طففین است و سوره انشقت
هم بروج است و طارق و اعلی / غاشیه و فجر چشم دل بگشا
بلد و شمس و لیل باز ضحی / نشرح و تین بجو بشنو بنما
سوره اقرا و قدر و بینه دان / زلزله نیز بعد از ان برخوان
عادیات است و قارعه بجدا / از تکاثر بعصر لب بگشا
همزه و فیل با قریش قرین / نیز ماعون خوان بصدق یقین
کوثر و کافرون و نصر و تبت / آخر اخلاص و فلق و ناس از رب

بعد از تنزیل که نزول آن بوحی ملک الجلیل جبرئیل برسول علیه السلام در مکه مکرمه و مدینه منوره باین ترتیب شده

بود احمد فقیر لطف الله / از نزول سور گشت آگاه
اقرا و نون شناس مزمل / باز مدثر است پس نازل
لهب و کورت و ذکر اعلی / پس از ان سوره لیل فجر و ضحی
نشرح و عادیات و عصر همچون / کوثر است و تکاثر و ماعون
کافرون است و فیل همچو فلق / ناس و اخلاص و نجم و اعمی حق
قدر و شمس و بروج و تین و قریش / قارعه پس قیامت ای سر خویش

همزه و مرسلات و قاف و بلد — طارق است و قمر چو صاد رسید
پس اعراف و جن پس یس — باز فرقان تا که بشنیدین
بعد و هست مریم و طه — پس ازان واقعه که شعرا
باز نمل و قصص ذکر اسرا — یونس و هود و یوسف ربا
حجر و انعام صافات شمر — بعد لقمان سبا رسید و زمر
مومن و فصلت ذکر شورا را — زخرف آنگه دخان و جاثیه را
باز احقاف و ذاریات بدان — غاشیه کهف و نحل و نوح بخوان
پس خلیل انبیا نزد مجید — مومنون سجده طور و ملک رسید
حاقه پس معارج آمد و عم — نازعات انفطار گشت رقم
بعده انشقاق آمد و روم — عنکبوت و مطففین معلوم
گوش کن بر رسول حق شامل — این سور شد بمکه در نازل
بقره و باز سوره انفال — آل عمران ای خجسته مقال
پس احزاب امتحان و نسا — زلزله پس حدید ای اخفا
پس قتال است رعد و پس رحمن — باز دهر و طلاق و بینه دان
حشر و نصر است نور و حج و برا — چون نفاق و مجادله حجرات
بعد تحریم بر جناب رسول — جمعه گردست ای عزیز نزول
پس تغابن چو صف و فتح دگر — مائده هم تو در مدینه شمر
لله الحمد کین خجسته کلام — گشت در بیست و چار بیت تمام

سپاس خدا که انطباع در رساله با صفا اعنی خواص سور قرآنی و تصریح تنزیل سور
مکیه و مدنیه در مطبع مصطفائی واقع بیت السلطنت لکهنؤ محله محمود نگر زیر اکبری دروازه
بتاریخ هفتدهم ربیع الاول سنه ۱۲۶۵ هجری باهتمام محمد مصطفی خان ولد حاجی
محمد روشن خان مغفور صورت تمامی ظهور گردید ۱۲

۸۲۹۱

ل۳۱خ

ف
۸۹۱۵۵۱۴۵

DUE DATE

ف ۸۹۱۵۵۱۲۵ ۸۴۹۱ ل۳۱خ

ف ۸۹۱۵۵۱۲۵ ل۳۱خ

۸۴۹۱

خواص سورۂ قرآن مجید

DATE	NO	DATE	NO